

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز قبادی
۲۵ اکتوبر ۲۰۲۳

فلسطین در آتش (نقدی بر مقاله نوال حراری)



مقاله ” خطرناک ترین برهه از سال ۱۹۴۸ ” نوشته نوال حراری* حاوی نکاتی است که بررسی آن در شرائط حساس کنونی به علت جایگاه علمی فردی چون نوال حراری، با نشر چندین کتاب تاریخی ضروری است. زنده یاد دکتر غلام حسین صدیقی استاد بر جسته و صاحب نام دانشگاه تهران می گفت: تعصب استعفاء از عقل است، مصداق این گفته را در مقاله حراری بروشنی می توان دید.

نوال حراری نویسنده توانائی است، او با نگارش کتاب های متعدد از جمله ”انسان خردمند” و ”انسان خدا گونه” نشان داد که احاطه ژرفی بر تاریخ دارد، اما آن جا که پای کشورش اسرائیل و رهبرانش در میان است، با چراغ خاموش از تاریخ عبور می کند و عامدانه مقطع آغاز نزاع اسرائیل و فلسطین را، با پنجاه سال تأخیر، به سال ۲۰۰۰ منتقل می کند و بیش از نیم قرن تجاوز، کشتار، و تبعید مردم فلسطین توسط رهبران کشورش را آگاهانه به فراموشی می سپارد، و بیست و سه سال بقیه را هم که مملو از ددمنشانه ترین ضربات ارتش اسرائیل بر ملت فلسطین بوده، شرم گینانه به ذکر عبارت مخملین ”...پیشنهاد صلح ناکافی و متکبرانه رهبران اسرائیل” اکتفاء می کند، این باز تاب همان سم مهلک تعصب است که حتی مؤرخ ژرف بینی چون حراری هم از آن گریزی نیست.

به گمان من، او از نگاه بی طرفانه به تاریخ فاصله می گیرد و با تحریف تاریخ، بر آن است که حکام کشورش را در دادگاه تاریخ تبرئه کند و گلیم کشورش را از امواج سنگین احکام آن برهاند، اما این جهد بی ثمر است چرا که: مجازات درس نگرفتن از تاریخ، تکرار تمام مصائب تاریخ است.

اما اصل ماجرا غم انگیز و فراتر از این است:

در سال ۱۹۴۸، زمانی که داوید بن گوریون با کمک انگلستان کشور اسرائیل را بنا نهاد و تأسیس آن را اعلام کرد، هم زمان هسته های چریکی توسط نظامیانی چون موشه دایان و آریل شارون و سایر هم قطاران شان تشکیل شد و با ترور و کشتار و ایجاد ترس و وحشت، مردم بی دفاع فلسطین را مجبور به ترک زمین هایشان کردند و به موازات آن، دلایان گمارده شده با سرمایه وسیع یهودیان، مردم ساده را با تطمیع، تزویر و فریب، وادار کردند که زمین هایشان را با ثمن به خس به یهودیان بفروشند. در نتیجه، آن ها آواره دیگر کشورهای عرب خاورمیانه شدند و در اردوگاه هائی چون صبرا و شتیلا اسکان یافتند، که امروز تعداد این آوارگان به چهار میلیون نفر می رسد.

یک دهه طول کشید تا مردم فلسطین چشم هایشان را بمانند و کلاه گشاد یهودیان را بر سر خود لمس کنند، اولین هسته مقاومت توسط مهندس جوانی به نام یاسر عرفات تشکیل شد تا در قالب "سازمان آزادی بخش فلسطین" (ساف) مبارزاتش را علیه اسرائیل کلید بزند و سازمان خود را به جهان بشناساند، به فاصله زمانی کوتاهی، دکتر جوان دیگری به نام جرج حبش، جبهه دیگر این جنبش را بباورهای سیاسی چپ بر پا کرد و به تناوب سازمان های دیگر فلسطینی در مقابل اسرائیل و علیه اشغال سرزمین شان، قد برافراشتند. از آن زمان تا کنون هفتادوپنج سال آزرگار است که ملت فلسطین، اعضاء و رهبران ساف و دیگر سازمان های رهائی بخش آن، توسط ارتش اسرائیل و موساد (تشکیلات امنیتی آن) به شیوه های مختلف و نقشه های پیچیده، کشته و ترور می شوند، تا جائی که در اوج قساوت، حتی این آوارگان را در خارج از سرزمین هایشان هم، رها نکردند و چند سال قبل آریل شارون با بهانه ای واهی همراه با یک گردان سرباز به اردوگاه صبرا و شتیلا یورش برد و با کشتاری خونین از ساکنین اردوگاه، عنوان فاخر "قاتل صبرا و شتیلا" را به نام خود در تاریخ ثبت کرد، اما اسرائیل این لیست بلند کشتارها را با حمایت قدرت های غربی و وسائل ارتباطی جمعی غرب، زیر پوشش دفاع از خود توجیه می کند و به موازات آن هولوکاست را هم در بازار مکاره سیاست، هر روز به غرب می فروشد.

بنابراین در روزی چون امروز، حوادثی که شاهد آنیم محصول هفتاد و پنج سال کم و کیف عملکرد رهبران اسرائیل در برخورد با ملت فلسطین است و اسرائیل با این کارنامه خون آلود نباید انتظار داشته باشد که مردم غزه از پشت دیوارهای بلندی که در آن محصور شده اند، برای شان گل میخک پرتاب کنند، مسلماً کسی که باد می کارد طوفان درو می کند.

امروز هیچ انسانی با وجدان آگاه، بربریت حماس نسبت به اسیران غیرنظامی را نمی تواند بپذیرد و این قساوت کاملاً محکوم است، اما عکس العمل اسرائیل هم توحش مطلق بود، در پنج روز اول جنگ، اسرائیل شش هزار تن بمب بر سر غزه ریخته که بخشی از این بمب ها دارای ترکیبات فسفر است که سازمان ملل متحد استفاده از آن را در جنگ اکیداً ممنوع کرده است، اما اسرائیل بی اعتناء به تمام معاهدات بین المللی، با این شیوه می خواهد تمام مردم غزه را به مجازات برساند.

ترور، کشتار و اعمال هر نوع خشونت از هر جناحی محکوم است و این شامل ترور از جانب حماس و ترورهای دولتی اسرائیل هم خواهد شد.

اسرائیل دو میلیون و سیصد هزار نفر فلسطینی را در محدوده ای به وسعت چهل و یک کیلومتر مربع، به نام غزه زندانی کرده، که برابر یک پنجاهم وسعت تهران است و به بزرگ ترین زندان روباز دنیا معروف شده است، مضافاً اسرائیل سالی یک بار آن ها را بمباران می کند، جوان بی آینده فلسطینی اما، در چنین شرائط دردناکی و در محدوده این زندان انسان کش، شاهد زندگی مرفه جوان اسرائیلی است.

در حالی که او از تمام مواهب آن زندگی محروم است، آیا در چنین شرایطی، اگر این جوان ابزار سازمان های تروریستی بشود جای تعجب است؟ اما رهبران اسرائیل از درک این مسأله ناتوانند، زیرا از مرحله پرتند.

ملت اسرائیل به ویژه در مرحله حساس کنونی به رهبران واقع بین و شجاعی چون اسحاق رابین نیازمند است، که جسارت و توانائی اتخاذ تصمیمات دشوار را در خود ببینند و شهامت طرح واقعیت های موجود را با جامعه داشته باشد، و جامعه هم به چنان بلوغ فکری رسیده باشد که این تصمیمات را درک کند، در غیر این صورت، حتی با ظهور چنین رهبری، جامعه اسرائیل او را تحمل نخواهد کرد و باز به دیار عدم خواهد فرستاد، و این دور باطل خشونت، محکوم به تکرار است.

واقعیتی که طرفین دعوا باید بپذیرند این است که: ملت فلسطین حذف شدنی نیست، حماس حذف شدنی نیست، اسرائیل هم حذف شدنی نیست، بنابراین الزام این است که، طرفین با به رسمیت شناختن هم دیگر، و با عدول از تبار جهان سومی خود، به عنوان دو ملت متمدن، نبرد را از میدان جنگ به میز مذاکره منتقل کنند، زیرا به فرض محال اگر حماس هم حذف شود، نسل های آینده فلسطین، حماس های دیگری خواهند ساخت و این مبارزه را ادامه خواهند داد.

اساساً، این خصلت مشترک تمام جنبش هائی است که از بطن جوامع شان بر خاسته و دارای پایگاه اجتماعی هستند. اما رهبران سفیه خاورمیانه به علت وسعت سفاهت شان از درک این اصل تاریخی عاجزاند.

بهر روز قبادی - اکتوبر ۲۰۲۳